Scientific quarterly (scientific-research article) of Islamic world political research
Vol. 13, No. 3, Autumn 2023, 131-149
DOI: 10.21859/priw-130306

Security action strategy of Persian Gulf actors on the goals of trans-regional powers

Seyedmohammad Mosavi[1], Ghafar Zarei[2], Amin Ravanbod[3]

Date of Received: 2023/04/05 **Date of Acceptance**:2023/09/01

Abstract

The application of security action by the governments of the Persian Gulf is of great importance considering the past and the future of the region. The type of attitude of the countries of the Persian Gulf region towards the perception of security and the corresponding functions has provided a basis for regional actors individually and Collectively move towards specific security goals. According to the main topic of the research, this question is raised, what effect does the application of the endogenous security of the Persian Gulf countries have on the goals of the trans-regional powers? And the main hypothesis is that the application of the endogenous security strategy among the actors of the Persian Gulf region can provide the ground for convergence and interaction

1. PhD student, Department of Political Science, Lamerd Branch, Islamic Azad University, Lamerd, Iran M.mosavi547@yahoo.com

2. Assistant Professor, Department of Political Science, Lamerd Branch, Islamic Azad University, Lamerd, Iran.(Responsible author) , ghafarzarei@yahoo.com

3. Assistant Professor, Department of Political Science, Lamerd Branch, Islamic Azad University, Lamerd, Iran. a.ravanbod@yahoo.com

Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/ or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA...

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

according to the political and economic potentials in the region and weaken the security project of the great powers. The theoretical framework of the research is based on the theory of regional security and the research method is descriptive-analytical and uses documentary and library sources.

Keywords: endogenous security, Persian Gulf, great powers, Iran.

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال سیزدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۲، صص ۱۴۹ - ۱۳۱

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۳۰۱۰۶

راهبرد کنش امنیتی بازیگران خلیج فارس بر اهداف قدرت های فرا منطقه‌ای

محمد موسوی[۱]
غفار زارعی[۲]
امین روانبد[۳]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۲ **تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۷**

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

کاربست کنش امنیتی از سوی دولت های خلیج فارس با توجه به گذشته و آینده منطقه از اهمیت بالایی برخوردار می باشد. نوع نگرش کشورهای منطقه خلیج فارس به برداشت امنیت و کارکردهای متناسب با آن زمینه ای را فراهم نموده است تا بازیگران منطقه ای بصورت فردی و جمعی به دنبال اهداف امنیتی خاصی حرکت نمایند.با توجه به موضوع اصلی پژوهش این سئوال مطرح می شود که کاربست امنیت درونزای کشورهای خلیج فارس چه تاثیری بر اهداف قدرت های فرا منطقه ای دارد؟ و فرضیه اصلی بر اینست که بکارگیری استراتژی امنیت درونزا در میان بازیگران منطقه خلیج فارس می تواند زمینه همگرایی و تعامل را با توجه به پتانسیل های سیاسی و اقتصادی در منطقه فراهم نماید و پروژه امنیت سازی قدرت های بزرگ را تضعیف نماید. چارچوب نظری پژوهش، مبتنی بر نظریه امنیت منطقه ای و روش تحقیق نیز از نوع روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای است.

واژه‌های کلیدی: امنیت درونزا، خلیج فارس، قدرت های بزرگ، ایران.

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی،واحد لامرد،دانشگاه ازاد اسلامی،لامرد ،ایران M.mosavi547@yahoo.com
۲. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد لامرد،دانشگاه آزاد اسلامی،لامرد ،ایران.(نویسنده مسئول) ghafarzarei@yahoo.com
۳. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد لامرد،دانشگاه آزاد اسلامی،لامرد ،ایران. a.ravanbod@yahoo.com
Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از قدرت‌های منطقه‌ای در حوزه خلیج فارس با توجه به ترسیم چهره نوین امنیت در خلیج فارس، بدنبال خروج نیروهای بیگانه از خلیج فارس و منطقه غرب آسیا می‌باشد و هرگونه پیوند کشورهای منطقه با قدرت‌های فرا منطقه‌ای را بر اساس یک رابطه غیر ضروری و غیر واقعی قلمداد می‌نماید. در واقع تاکید بر امنیت درون‌زا یکی از مولفه‌های مهم در حوزه روابط کشورهای خلیج فارس می‌باشد که با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک خلیج فارس می‌تواند آثار و پیامدهای مهمی برای آینده روابط کشورهای درون منطقه بدنبال داشته باشد. خلیج فارس از جمله نقاط استراتژیک در حوزه روابط بین‌الملل است که به لحاظ موقعیت و تاثیر آن بر معادلات منطقه‌ای و جهانی از ارزش سوق‌الجیشی خاصی برخوردار است. ایران به دلیل داشتن بیشترین سواحل در خلیج فارس و همچنین پتانسیل‌های بالایی که می‌تواند نقش مهمی در امنیت منطقه ایفا کند، به دنبال جلب همکاری کشورهای حاشیه خلیج فارس و متقاعد کردن آنها بر مبنای عدم حضور و نفوذ بیگانگان در منطقه و ایجاد الگوی امنیت دسته جمعی در مقابل الگوی ثبات هژمونیک مورد پذیرش اعراب، بوده است (اسدی، ۱۳۸۱: ۱۰) ابعاد قدرت جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی‌ها و امیرنشین‌های خلیج فارس به رهبری عربستان سعودی در دو بعد نظامی و اقتصادی گسترده و قابل‌توجه است و تهران و ریاض دو قدرت بزرگ منطقه به‌شمار می‌آیند. قابلیت‌های تهاجمی کشورهای ساحلی خلیج فارس نیز چه با تکیه بر توان داخلی و چه با پیوستن به قدرت‌های خارجی طی چهار دهه گذشته به‌رغم برخی فراز و نشیب‌ها در موازنه میان ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس رو به رشد بوده است. نگرانی اعراب خلیج فارس از احتمال برهم خوردن توازن منطقه‌ای به نفع ایران در صورت ترك منطقه از سوی نیروهای آمریکایی، عمده‌ترین دلیل عدم استقبال کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس[1] از طرح‌های مبتنی‌بر امنیت درون زا[2] و تأمین ثبات منطقه با مشارکت انحصـاری دولت‌های ساحلی است. در واقع شدت بی‌اعتمادی متقابل میان دو سوی خلیج فارس به اندازه‌ای است که فهم مشترك کشورهای ساحلی از پدیده امنیت منطقه‌ای را اگر نه غیرممکن، دست‌کم بسیار دشوار ساخته است. اما برای حل این مساله می‌بایست راه حل‌های وجود داشته باشد و کشورهای منطقه از طریق روش‌های سیاسی و همکاری اقتصادی در جهت حل موضوع اقدام نمایند. واضح است که قدرت‌های فرامنطقه‌ای (ایالات متحده،اتحادیه اروپا، چین و روسیه) از شکاف امنیتی و سیاسی میان کشورهای حوزه خلیج فارس از جمله کشور ایران و دولت‌های عربی نهایت

1. Gulf Cooperation Council (GCC)
2. Endogenous Security

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

استفاده و منفعت اقتصادی و سیاسی را می برند و از حرکت کشورهای منطقه خلیج فارس به سمت و سوی امنیت درون زا بدون اتکا و وابستگی به قدرت‌های فرا منطقه‌ای راضی نمی‌باشند در این زمینه می‌توان به نقش قدرت‌های فرا منطقه‌ای با اعضای شورای همکاری خلیج فارس در صدور بیانیه‌های مرتبط با جزایر ایرانی و پرونده هسته‌ای اشاره نمود.

چارچوب مفهومی

نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای از سوی اندیشمندانی مانند باری بوزان[1] و اوله ویور[2] جزو معدود نظریه‌های برجسته روابط بین‌الملل به‌شمارمی‌آید که بر تجزیه‌وتحلیل در سطح منطقه‌ای تأکید دارد. یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای را مجموعه‌ای از واحدها که در آن فرایندهای اصلی امنیتی‌سازی و یا امنیتی‌زدایی چنان درهم تنیده شده‌اند که مشکلات امنیتی به‌لحاظ منطقی به‌طور جداگانه قابل تحلیل یا حل‌وفصل نیستند، تعریف می‌کنند. (بوزان و ویور:۲۰۰۳: ۴۴) چنین مجموعه‌هایی با الگوهای دیرینه (اما نه دایمی) دوستی و دشمنی تعریف می‌شوند و شکل الگوهای وابستگی متقابل امنیتی که به لحاظ جغرافیایی منسجم و زیر-جهانی هستند را به‌خود می‌گیرند. به عبارت دیگر، مرکز پیکربندی‌های منطقه‌ای از نظم را ادراکات مربوط به امنیت و ناامنی تشکیل می‌دهد، به‌طوری‌که روابط میان بازیگران منطقه‌ای برپایه ساختار ادراکات بنا می‌گردد. از نظر باری بوزان مفهوم امنیت گسترده شده است و در برگیرنده موارد متعددی می‌باشد که امنیت منطقه‌ای را نیز در برمی گیرد. رویکرد بوزان بیشتر مبتنی بر جامع نگری به حوزه امنیت است؛ و در حالی که او تجزیه و تحلیل خود را با اعتقادات نئورئالیستی مانند هرج و مرج، آغاز می‌کند. در نظریه باری بوزان، از همه جنبه‌ها به امنیت نگریسته شده است. (Buzan, 1991: 19) ساختار بنیادین هر مجموعه امنیتی منطقه‌ای از چهار متغیر اساسی تشکیل می‌شود. نخست، مرز[3] که مجموعه امنیتی منطقه‌ای را از دیگر واحدها جدا می‌سازد. دوم، ساختار آنارشیک[4] که به‌معنای وجود دو یا چند واحد خودمختار در درون چنین مجموعه‌ای است. سوم، قطبیت[5] که معادل توزیع قدرت میان واحدهای مجموعه است. چهارم، ساخت اجتماعی[6] که شامل الگوهای دوستی و دشمنی میان

1. Barry Gordon Buzan.
2. Ole Weaver
3. Boundary
4. Anarchic Structure
5. Polarity
6. Social Construction

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

واحدها می‌شود (Buzan and Weaver, 2003: 53). منظور از دشمنی در اینجا، بدگمانی و ترس حاکم بر مناسبات دو یا چندجانبه میان واحدها است و دوستی نیز به گستره‌ای از برهم‌کنش‌های مبتنی بر ابراز حسن‌نیت تا انتظار پشتیبانی و انعقاد پیمان‌های همکاری میان واحدها اشاره دارد. در حقیقت از چشم‌انداز بوزان و ویور، شکل استاندارد مجموعه امنیتی منطقه‌ای، الگویی از رقابت، توازن قوا و صف‌بندی میان قدرت‌های اصلی منطقه است که باید تأثیرات نفوذ قدرت‌های خارجی را نیز به آن افزود. همپوشانی زمانی اتفاق می‌افتد که یک یا چند واحد سیاسی به‌طور همزمان به بیش از یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای تعلق داشته باشند. با اینکه مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای از چشم‌انداز بوزان و ویور به‌طور متقابل انحصاری تلقی می‌شوند، اما درعین‌حال آنها می‌پذیرند که مواردی همچون وجود دولت‌های جداکنند یا اتکای دولتی ضعیف واقع در یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای به یک بازیگر قدرتمند مستقر در یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای دیگر بعضاً مرز میان مناطق را مبهم می‌سازد. تا جایی‌که نمونه‌های قوی پویایی‌های میان‌منطقه‌ای[1] ممکن است نشان‌دهنده دگردیسی بیرونی مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای تا سطح ادغام باشند (Buzan and Weaver, 2003: 49). نفوذ نیز به‌مثابه «سازوکار پیونددهنده الگوی سراسری توزیع قدرت میان بازیگران بزرگ جهانی به پویایی مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای» به‌طور عمده هنگامی اتفاق می‌افتد که «قدرت‌های خارجی با واحدهای سیاسی واقع در یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای صف‌بندی امنیتی ایجاد می‌کنند.» پیادهسازی این سازوکار برپایه منطق موازنه قدرت صورت می‌گیرد. منطق موازنه قدرت که دورن هر منطقه وجود دارد، برخی دولت‌ها را به‌سمت هم‌پیمانی با قدرت‌های خارجی سوق می‌دهد تا بتوانند بر دیگر واحدهای سیاسی واقع در مجموعه امنیتی خود برتری جویند. (Buzan and Weaver, 2003: 46-47). نفوذ را می‌توان به‌مثابه بزرگترین مانع تحقق امنیت درون‌زا در مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای معرفی کرد. امنیت درون‌زا مفهومی مبتنی بر امنیت شبکه‌ای است که درمقابل مفهوم امنیت برون‌زا[2] قرار می‌گیرد. در حالت امنیت درون‌زا، امنیت شبکه ازسوی بازیگران داخل شبکه تأمین می‌شود، درحالی‌که تأمین تمام یا بخشی از امنیت در حالت امنیت برون‌زا ازسوی یک یا چند مدافع بیرونی صورت می‌پذیرد (de Witte, 2015: 11). موازنه میان امنیت درون‌زا و برون‌زا در یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای را می‌توان با توسل به نظریه موازنه تهدید نشان داد. نظریه موازنه تهدید که نخستین‌بار از سوی استفن والت در چارچوب نظریه نوواقع‌گرایی تدافعی[3] ارائه شد به بررسی رابطه

1. Interregional
2. Exogenous Security
3. Defensive Neorealism

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

شکل‌گیری صف‌بندی‌های امنیتی و ائتلاف‌های نظامی-سیاسی با «احساس تهدید» از سوی دولت‌ها می‌پردازد. برپایه این نظریه، دلیل ایجاد توازن قدرت نیست، بلکه میزان تهدیدی است که دولت‌ها درک می‌کنند. در حقیقت، دولت‌ها در زمان احساس تهدید یا در مقابل آن توازن ایجاد می‌کنند یا به کشور تهدیدکننده ملحق شوند (Walt, 1985: 4; Walt, 1987: 263). بهطور خلاصه، نظریه موازنه تهدید معتقد است ائتلاف جهت موازنه علیه تهدیدها شکل می‌گیرد و نه صرف قدرت، تهدیدهایی که از قدرت، مجاورت، قابلیت‌های تهاجمی و نیات توسعه‌طلبانه تهاجمی نشأت می‌گیرند (Little, 2010: 23).

پیشینه پژوهش

با توجه به اینکه تحقیقات و پژوهش های متعددی در ارتباط با موقعیت و جایگاه خلیج فارس و تحولات مرتبط با آن انجام گرفته است اما در ارتباط با مفهوم امنیت برون زا به عنوان پیش شرط منطقه گرایی کشورهای خلیج فارس با توجه به سیاست های اتحاد و ائتلافی آنان و چالش های آینده کمتر اشاره شده است. برخی پژوهش های مرتبط انجام شده در این حوزه را مورد بررسی قرارداده و به آنها اشاره می نماییم. برزگر (۱۳۸۶) در مقاله «ایران، عراق جدید و نظام امنیت منطقه ای خلیج فارس» بیان می دارد که با خروج عراق از یک بازیگر تهدیدگر و تغییر ماهیت امنیتی و همچنین با ورود و افزایش نقش عنصر شیعه در تحولات قدرت و سیاست منطقه و به دنبال آن نزدیکی ایران و عراق، شکل گیری یک نظام امنیتی جدید مبتنی بر ویژگی ها و واقعیات سیاسی - امنیتی، فرهنگی و اقتصادی منطقه ضروری است. نویسنده ضمن ارائه بعضی ویژگی های ترتیبات جدید امنیتی به این نتیجه می رسد که بدون همکاری جمعی و متقابل میان تمامی کشورهای منطقه، هیچ نظام امنیت منطقه ای موفق نخواهد بود. رسولی ثانی آبادی(۱۳۹۳) در مقاله «ماهیت اتحادها در خاورمیانه ؛ قدرت یا هویت؟» بر این عقیده است که؛ در بررسی ماهیت و علل شکل گیری اتحادهای این منطقه، بایستی نقش عوامل هویتی را بسیار کمرنگ دانست و به نقش قدرت و توازن قدرت در کنار توازن تهدید اشاره کرد. نصوحیان(۱۳۸۶) در مقاله «موانع همگرایی و ثبات در منطقه خلیج فارس»، بر این این نظر است که اختلافات کشورهای منطقه با یکدیگر، بی اعتمادی و فقدان عزم سیاسی زمینه ساز بی ثباتی و نفوذ کشورهای فرا منطقه ای به خصوص آمریکا شده است. هر چند گام هایی در جهت تقویت همگرایی طی دو دهه اخیر برداشته شده است اما همگرایی در منطقه خلیج فارس به شرط وجود عزم سیاسی، تدوین اسراتژی، همکاری و فعالیت جدی همه کشورهای منطقه در درازمدت قابل دسترسی خواهد بود. هرسیج، ابراهیمی پور، نوعی باغبان (۱۳۹۳) در مقاله «روابط

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

کشورهای عرب منطقه ی خلیج فارس و ایران از منظر منطقه گرایی» به این موضوع اشاره می نمایند که کشمکش ها و منازعات دیرینه ساختاری در خلیج فارس از سال ۱۳۸۳ به بعد شکل آشکارتری به خود گرفته و منجر به شکل گیری علائق و منافع واگرایانه میان ایران و شورای همکاری خلیج فارس شده است. موسوی(۱۳۸۶) در مقاله «الگوی امنیت منطقه ای در خلیج فارس، تجربه ها و موانع»، به رویکرد دو قدرت مداخله گر انگلیس و آمریکا در تنظیم ترتیبات امنیتی خلیج فارس پرداخته و اختلاف و تعارضات ادراکی بازیگران از ترتیبات امنیتی مورد نظر را بررسی کرده است. الاحمد[1] (۲۰۲۰) نیز در بخشی از گزارش خود تحت عنوان «امنیت دریایی خلیج فارس: معمایی جاودانی» ذیل اشاره به طرح‌های تازه برای ایجاد و حفظ امنیت و ثبات در خلیج فارس، خاطرنشان ساخته است که چنین ابتکاراهای تنها محدود به بازیگران فرامنطقه‌ای مانند ایالات متحده، اتحادیه اروپایی و روسیه نبوده است و پویش صلح هرمز ایران را معرفی کرده است. وی، هدف عینی این ابتکار را فراهم‌آوردن زمینه‌های گفت‌وگو میان کشورهای جامعه تنگه هرمز شامل عربستان سعودی، امارات، عراق، کویت، ایران، عمان، قطر و بحرین می‌داند. مقاله هان[2] و حکیمیان[3] (۲۰۱۹) با عنوان «مجموعه امنیتی منطقه‌ای در خلیج فارس: رئوس سیاست‌های شورای همکاری خلیج فارس در قبال ایران» اشاره کرد که تنشهای میان ایران و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را از چشم‌انداز نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای مورد مطالعه قرار داده است. نویسندگان با درک درست واقعیت‌های منطقه و تقلیل مناقشه‌های ایران-شورای همکاری خلیج فارس به ستیزشهای تهران-ریاض از ضرورت اتخاذ چارچوب‌هایی فراتر از رقابت‌های مذهبی برای تبیین نزاع میان این دو بازیگر سخن می‌گویند.

روش پژوهش

روش تحقیق از نوع روش کیفی است. تحقیق کیفی عبارت از مجموعه فعالیت‌هایی(چون مشاهده، مصاحبه و شرکت گسترده در فعالیت‌های پژوهشی) است، که هرکدام به نحوی محقّق را در کسب اطلاعات دست اول، درباره‌ی موضوع مورد تحقیق یاری می‌دهند. با توجه به ماهیت و موضوع مورد مطالعه، گردآوری اطلاعات با بررسی اظهارنظرها، اسناد، بیانیه‌ها، کتاب، مقاله‌ها، مجلات، سایت‌ها، مطبوعات و خبرگزاری‌ها و آمارنامه‌ها و تکیه بر دادههای عینی-تاریخی صورت پذیرفته و سعی شده است

1. Kameal Alahmad
2. Jianwei Han
3. Hassan Hakimian

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

تا از معتبرترین و جدیدترین اطلاعات آماری و توصیفی مراکز مطالعاتی استفاده شود. ابزار گردآوری اطلاعات به صورت فیش‌برداری و با تکیه بر بررسی منابع اسنادی و کتابخانه‌ای انجام می‌شود که در نهایت داده‌های مرتبط با تحقیق را به شیوه فیش برداری، جمع‌آوری می‌نماید و سپس برای مرحله تجزیه و تحلیل آماده می‌سازد . در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از روش تحلیل کیفی استفاده شده است. شامل روش‌های تحلیلی و تعبیر و تفسیری است؛ که برای رسیدن به یافته‌ها یا نظریه‌ها به‌کار می‌رود.

امنیت منطقه‌ای و خلیج فارس

منطقه گرایی به تمایل کشورهای مستقر در یک منطقه برای پرداختن به همکارهای مختلف اعم از سیاسی و نظامی و اقتصادی گفته می شود که هدف اصلی آن ها همکاری های مشتر ک و متجانس می باشد. هر چند که مفهوم منطقه گرایی در نتیجه تحولات نظام جهانی تا حدودی تغییر پیدا نموده است اما هدف اصلی چنین رهیافتی رسیدن به نقاط اجماع ساز، مبادلات و همگرایی همه جانبه در قالب همکاری منطقه ای می باشد. بنابراین، منطقه گرایی اقدامی در جهت افزایش همکاری بین دولت‌ها، انتقال تدریجی قدرت به نهادهای فراملی، همگن سازی ارزش‌ها و ظهور اشکال جدید جامعه سیاسی است. در این چارچوب، همکاری منطقه‌ای باید بر اساس میزان رشد تعاملات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و مبتنی بر هویت مورد توجه قرار گیرد. مفهوم امنیت منطقه‌ای از ترکیب دو واژه امنیت و منطقه‌ای می‌باشند که هر دو واژه‌ای پیچیده‌ای هستند که شاید تعریف مشترکی برای آنها نباشد. (مورگان، ۱۳۸۱: ۴۰) بعد از جنگ سرد، مفهوم امنیت بسیار چند وجهی‌تر شده است. نظریه امنیت منطقه‌ای ، نظریه‌ای روش شناسانه با سطح تحلیل منطقه‌ای برای تجزیه و تحلیل منطقه‌ای و مسائل امنیت بین المللی است. این نظریه می‌خواهد به فهم منطقه‌ای محور از جهان برسد. از لحاظ امنیت، منطقه به معنی شبه سیستم مشخص و مشهوری از روابط امنیتی بین مجموعه‌ای از دولت‌هاست که از لحاظ جغرافیایی نزدیک یکدیگر باشند. سطح منطقه‌ای ، نقش رابط را در ارتباط متقابل دولت‌ها و کل سیستم بین المللی بازی می‌کند. بدون درک این سطح، وضعیت دولت منطقه‌ای به طور شایسته درک نخواهد شد (بوزان، ۱۳۸۷: ۲۱۳). مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای با ساخت گفتمانی مناطق توصیف نمی‌شوند. امنیت منطقه‌ای عبارت است از: مجموعه تصورات و تعبیرات از امنیت ملی، که اعضای یک منطقه می‌توانند از مجموعه سطوح کشمکش در یک منطقه، اعتبارات نظامی و نهاد ها و اتحادیه‌های جمعی به دست آورند (افتخاری، ۱۳۷۲: ۳۱۹). باری

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

بوزان معتقد است: ماهیت ارتباطی امنیت، فهم الگوهای امنیتی یک دولت را بدون درکی اساسی از وابستگی متقابل الگوهای امنیت منطقه‌ای که در آن وجود دارد، ناممکن می‌سازد. (بوزان، ۱۳۸۷: ۴۰) منطقه به عنوان مجموعه‌ای از دولت‌ها تعریف می‌شود که به لحاظ جغرافیایی در نزدیکی هم قرار دارند. در تعریف امنیت منطقه‌ای، عنصر اصلی که باید به روابط قدرت افزوده شود الگوی دوستی و دشمنی بین دولت‌ها می باشد. منظور از دوستی اینکه در روابط آنها طیفی متشکل از دوستی واقعی تا انتظار حمایت یا حفاظت وجود داشته باشد. منظور از دشمنی نیز روابطی است که در آن سوء ظن و هراس حاکم می‌باشد. چیزی که این دو قطب را از یکدیگر جدا می‌سازد، فاصله وسیعی متشکل از بی تفاوتی یا بیطرفی است که در آن دوستی و دشمنی یا به قدری ضعیف است که چندان به حساب نمی‌آید یا به طوری به هم آمیخته که گرایش آشکاری به هیچ طرف ندارد (Buzan, 1991: 35). ارتباط کشورها با محیط بیرونی از سه زاویه می تواند مورد مطالعه قرار گیرد : روابط اختلاف آمیز که در آن در برداشت منافع ، اختلاف وجود دارد اما قابل حل است. روابط تناقض آمیز که با ناسازگاری بنیادین همراه است و به راحتی قابل حل نیست و به گذشت زمان نیاز دارد . و روابط تضاد آمیز که در آن منافع و دیدگاه های طرفین در تقابل کامل قرار دارد و مسایل ریشه ای تر از آن است که تضارب آرا حل شود. در این موارد رویارویی علنی وجود دارد (سریع القلم، ۱۳۷۹: ۶۳).بنظر می آید که روابط منطقه ای بازیگران حوزه خلیج فارس مبتنی بر روابط تضاد آمیز باشد. به همین دلیل است که مساله امنیت نظامی، حضور قدرتهای بزرگ، جنگ های نیابتی، تخریب مواضع سیاسی و در نهایت ائتلاف و اجماع بر علیه سایرین جزو سیاست های اجتناب ناپذیر در منطقه خلیج فارس می باشد.

راهبرد امنیت درون زا

امنیت درونزا و تاکید بر بکارگیری آن از سوی کشورهای منطقه خلیج فارس، در جهت جلوگیری از حضور قدرت های فرا منطقه ای از جمله عوامل کلیدی در تدوین استراتژیهای آینده این منطقه می باشد که نقش بسزایی در چگونگی سیاست تعامل و همگرایی کشورهای منطقه دارد. امنیت درون‌زا مفهومی مبتنی بر امنیت شبکه‌ای است که در مقابل مفهوم امنیت برون‌زا قرار می‌گیرد. در حالت امنیت درون‌زا، امنیت شبکه از سوی بازیگران داخل شبکه تأمین می‌شود، در حالی‌که تأمین تمام یا بخشی از امنیت در حالت امنیت برون‌زا از سوی یک یا چند مدافع بیرونی صورت می‌پذیرد (de Witte, 2015: 11). موازنه میان امنیت درون‌زا و برون‌زا در یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای را می‌توان با توسل به نظریه موازنه تهدید

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

نشان داده می شود. طرح‌های امنیت درون‌زا در مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای برای موفقیت، نیازمند حداقل درجاتی از همگرایی امنیتی بر پایه اعتماد میان اعضا هستند تا بتوان از آن به عنوان نقطه شروع استفاده کرد. ساختار بنیادین هر مجموعه امنیتی منطقه‌ای از چهار متغیر اساسی تشکیل می‌شود. نخست، مرز که مجموعه امنیتی منطقه‌ای را از دیگر واحدها جدا می‌سازد. دوم، ساختار آنارشیک که به‌معنای وجود دو یا چند واحد خودمختار در درون چنین مجموعه‌ای است. سوم، قطبیت که معادل توزیع قدرت میان واحدهای مجموعه است. چهارم، ساخت اجتماعی که شامل الگوهای دوستی و دشمنی میان واحدها می‌شود (Buzan and Weaver, 2003: 53). منظور از دشمنی در اینجا، بدگمانی و ترس حاکم بر مناسبات دو یا چندجانبه میان واحدها است و دوستی نیز به گستره‌ای از بر هم کنش‌های مبتنی بر ابراز حسن‌نیت تا انتظار پشتیبانی و انعقاد پیمان‌های همکاری میان واحدها اشاره دارد. بوزان و ویور (۲۰۰۳: ۴۸-۴۹) نقش بازیگران بیرونی در یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای را تحت دو مفهوم نفوذ و همپوشانی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند. در حقیقت از چشم‌انداز بوزان و ویور، شکل استاندارد مجموعه امنیتی منطقه‌ای، الگویی از رقابت، توازن قوا و صف‌بندی میان قدرت‌های اصلی منطقه است که باید تأثیرات نفوذ قدرت‌های خارجی را نیز به آن افزود.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

استراتژی امنیتی قدرت های فرا منطقه ای

قدرت های فرا منطقه ای (ایالت متحده ،روسیه، چین و اتحادیه اروپا) با توجه به مساله منافع ملی و کنترل امنیت منطقه جهت حفظ دراز مدت منافع خودشان ،سعی می نمایند که با برخی اتحادهای تاکتیکی یا استراتژیک با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس اعتبار زایی نمایند. با توجه به ماهیت ارتباط بین منفعت و امنیت از سوی قدرت های فرا منطقه ای در حوزه خلیج فارس می توانیم به این نکته راهبردی اشاره نماییم که وابسته نمودن کشورهای منطقه(متحدین استراتژیک آمریکا) به اهداف قدرت های فرا منطقه ای یکی از کلیدی ترین این استراتژی هاست که سالیان سال از سوبی قدرت های بزرگ در حال اجراست. بنابراین امنیت در منطقه عربی خلیج فارس متکی بر عوامل بیگانه و فرا منطقه ای می باشد که از آن می توان به امنیت وابسته، اجاره ای، و ناپایدار تعریف نمود. عوامل منطقه گرایی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس را در ابتدا می بایست در حوزه نفوذ و برتری قدرت سیاسی بازیگران منطقه ای مورد بررسی قرار داد. البته ناگفته نماند که این رویکرد سیاسی در جهت حفظ موجودیت سیاسی و عدم اعتماد سیاسی نسبت به سایر بازیگران منطقه ای می باشد. از سوی دیگر ترتیبات امنیتی خلیج فارس از دیر باز

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

مورد توجه بازیگران بین المللی و منطقه‌ای قرار داشته است اما در پی تحولات سالهای اخیر از جمله عراق جدید و حضور نیروهای نظامی خارجی در آن، بر اهمیت این ترتیبات افزوده شده است به گونه‌ای که در سال‌های اخیر همایش‌ها و گفتگوهای امنیتی در خلیج فارس به بحث گذاشته شده است (واعظی، ۱۳۸۵: ۲۹). در حقیقت، منطقه‌گرایی خلیج فارس بیش از آنکه دلایل و هنجارهای اجتماعی، فرهنگی یا مذهبی خاص خود را به لحاظ نهادی داشته باشد، تحت‌تأثیر ادراکات مربوط به ناامنی به‌ویژه در درون خود منطقه بوده است. حتی شورای همکاری خلیج فارس به‌مثابه بارزترین نماد منطقه‌ای‌گرایی (نابالغ) در خلیج فارس نیز به‌رغم ترسیم چشم‌انداز یکپارچگی امنیتی و دفاعی، پیشرفتی فراتر از سیاست‌های اعلامی نداشته است که یکی از عمده دلایل آن وجود بدگمانی و بی‌اعتمادی میان اعضای شوار نسبت به یکدیگر است (Miller, 2019: 36). تاکید بر امنیت درونزا از سوی کشورهای حوزه خلیج فارس از یکسو نشانه ای از واقع بینی و درک درست و نطقی از سیاست های فعلی و آینده در منطقه است و از سوی دیگر بر عدم وابستگی به قدرت های فرا منطقه ای و در نهایت به استراتژی امنیت درون منطقه ای منجر می گردد.

راهبرد امنیتی ایالات آمریکا متحده

بدلیل ماهیت نظامی و حضور مستقیم ایالات متحده در خلیج فارس، سیستم امنیت دسته‌جمعی منطقه‌ای یا امنیت درونزا در منطقه شکل نگرفته است. اغلب راهبردهای گذشته بر محور موازنه قدرت منطقه‌ای و به عبارت بهتر موازنه دور از ساحل[1] تدوین شده بودند که ایالات متحده در آنها نقش موازنه‌گر را ایفا می‌نمود (Lilli, 2018: 1). اما الان نیز عواملی مانند: سنتکام ، «ناوگان پنجم دریایی مستقر در بحرین»، «پایگاه‌های ایالات متحده در سطح منطقه خلیج فارس»، «ناوهای هواپیمابر اعزامی به منطقه خلیج فارس» و «رژیم صهیونیستی» پنج ساز و کار ایالات متحده برای کنترل تحولات در خلیج فارس به‌شمار می‌آیند (آجیلی و رضایی، ۱۳۹۷: ۱۸۱-۱۷۸). آمریکایی ها علاوه بر تامین منابع انرژی به دنبال سلطه سیاسی و نظامی در منطقه می باشند و در این راستا استراتژی نظامی -امنیتی ایالات متحده بصورت دوجانبه و چند جانبه با کشورهای عربی منطقه بطور مرتب در حال توسعه و تعمیق می باشد. واقعیت کاهش وابستگی ایالات متحده و دنیای غرب به منابع انرژی خلیج فارس، آن‌ها از پیامدهای منفی بی‌ثباتی در این منطقه مصون نمی‌سازد. از این رو، به‌رغم اعلام چندباره دونالد ترامپ

1. Offshore Balancing

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

مبنی بر واگذاری حفظ امنیت خلیج فارس به کشورهای منطقه و واردکنندگان اصلی منابع انرژی آن، هیچ نشانه‌ای دال بر تلاش ایالات متحده برای پیاده‌سازی این موضع مشاهده نمی‌شود. ترامپ در حالی حضور در خاورمیانه را بزرگترین اشتباه تاریخ ایالات متحده بر می شمارد (Solomon and Sexton, 2018) اعضای شورای همکاری خلیج فارس کاهش حضور نظامی مستقیم ایالات متحده در منطقه را اجتناب‌ناپذیر می‌دانند. اگر چه دامنه، اندازه و هدف واشنگتن از این انجام این تغییر هنوز مورد بحث است.رهبران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس از یک سو حضور نظامی ایالات متحده را ضامن اصلی امنیت خلیج فارس می‌دانند و برای تداوم آن تلاش می‌کنند و از سوی دیگر به دنبال تقویت بنیان‌های نظامی و امنیتی خود در صورت ضرورت اقدام مستقل برای دفاع از امنیت خلیج فارس هستند. آمریکایی ها مرتب به ثبات و مشارکت نظامی در منطقه خلیج فارس تاکید نموده و خود را متعهد به آن می دانند. باید در نظر داشت که توجه آمریکا به منطقه خلیج فارس بر اثر انعکاس تحولات انقلاب اسلامی ایران و تزلزل در سیستم امنیتی منطقه که وابسته به غرب بوده است، بیشتر شده و از آنجا که کشورهای عربی منطقه از نظر اقتصادی، سیاسی و امنیتی ، عدم ثبات سیاسی و بحران مشروعیت به غرب و آمریکا وابسته‌اند، آمریکا در منطقه توانسته از اختلافات ایران و اعراب برای رسیدن به منافع خود استفاده نماید. (مجتهد زاده، ۱۳۷۹: ۲۷۶) و به دلیل همین بی ثباتی‌های کشورهای منطقه است که حضور آمریکا در منطقه به عنوان ایجاد کننده امنیت در منطقه تثبیت شده است. بهبود مناسبات دوجانبه و چند جانبه کشورهای حوزه خلیج فارس می تواند منجر به استراتژی خود اتکایی امنیتی مبتنی بر توانمدی های سیاسی و نظامی گردد. هرچند که تدوین و پیگیری آن دارای ابهامات و اما و اگرهای زیادی می باشد. آمریکایی ها با تاکید بر افتراق ها، دشمنی ها و چه بسا تناقض و تضادهای سیاسی راه های رسیدن به امنیت مشترک و منافع جمعی را به تعقیب می اندازند. تفاوت نگرش ها و ایدئولوژی واحدهای سیاسی و نوع راهبرد سیاست خارجی کشورهای منطقه، زمینه را برای استراتژی ائتلاف و اتحاد یا ایجاد رویکرد امنیت مشترک فراهم نمی نماید. در امنیت مشترک بر امنیت نظامی بیش از هر چیز تأکید می‌شود و بر موضوعاتی مانند خلع سلاح، امنیت از طریق همکاری به جای رقابت و اقداماتی برای کنار گذاشتن حملات غافلگیر کننده استوار است (عبدالله خانی، ۱۳۸۷: ۳۷۵). تلاش آمریکا این بوده که به همراهی اعضای شورای همکاری خلیج فارس، ساختار عربی بر علیه ایران را تقویت کند. ایران دخالت آمریکا و بیگانگان در منطقه را بزرگترین خطر تهدید کننده امنیت کشورها و مانع رسیدن کشورهای منطقه به تفاهم و امنیت مشترک دسته جمعی می‌داند. (معین الدینی، ۱۳۸۶: ۲۲۵). ایالات متحده در جهت حفظ

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

تداوم حضور راهبردی در منطقه از استراتژی امنیتی و القائ آن به کشورهای پیرامونی برای تداوم حضور طویل المدت خود به عنوان یک سیاست راهبردی استفاده می نماید. ایالات متحده به هیچ‌وجه حاضر به از دست‌دادن کنترل بر منابع و مسیرهای انتقال انرژی خلیج فارس نخواهد بود. با این همه، ترامپ برپایه محاسبات اقتصادی خود به‌فکر وادارساختن سایر کشورهای ذی‌نفع در خلیج فارس به پرداخت بخشی از هزینه‌های حضور ایالات متحده در منطقه است. ترامپ به‌خوبی آگاه است که امنیت انرژی چین در گرو ثبات در خلیج فارس. علاوه بر چین، هند و سایر کشورهای آسیایی نیز به‌طور مستقیم از بی‌ثباتی احتمالی در خلیج فارس بهشدت متضرر خواهند شد. همچنین اتحادیه اروپا و به‌ویژه اقتصادهای بزرگی همچون آلمان، بریتانیا، فرانسه و ایتالیا و نیز کانادا و استرالیا به‌رغم واردات ناچیز منابع انرژی از خلیج فارس به‌دلیل درهم‌تنیدگی نظام سرمایه‌داری جهانی و سرایت بحران‌های اقتصادی از اخلال احتمالی در روند انتقال نفت و گاز خلیج فارس به بازارهای عمده مصرف به‌شدت متأثر خواهند شد. برای اقتصادهای نوظهوری همچون برزیل و آفریقای جنوبی نیز وضعیت به همین‌گونه خواهد بود. در این میان، روسیه جزو معدود کشورهایی است که از اخلال در انتقال انرژی از خلیج فارس احتمالا منتفع خواهند شد.در شرایط فعلی، نگرانی اصلی در خلیج فارس نه تولید انرژی بلکه انتقال انرژی از این منطقه است. رشد فزاینده تولید نفت اوپک به‌ویژه در کشورهای حوزه خلیج فارس و خطر سقوط قیمت‌ها، سقف سهمیه تولید اوپک طی یک دهه گذشته را به‌رغم برخی فرازونشیب‌ها و استثناهای محدود درمجموع کوتاه‌تر ساخته است (نامداری و برزگر، ۱۳۹۸: ۳۱۸-۳۱۹). کنترل همه جانبه امنیت منطقه حلیج فارس برای حفظ منافع و اهداف میان مدت و دراز مدت ایالات متحده آمریکا،در گرو عدم امنیت درونزا و برهم زدن بازی تعاملی کشورهای منطقه می باشد.

ائتلاف امنیتی ایرانی-عربی

رقابت سیاسی بازیگران منطقه ای خلیج فارس از جمله مباحث مهم در بررسی امنیت کنش جمعی تحت عنوان امنیت درونزا در این منطقه می باشد. موقعیت سوق الجیشی ایران و شرایط جغرافیایی آن با کاربست آموزه های انقلاب اسلامی از جمله اصل سیاست نه شرقی و نه غربی، عدم اعتماد به فرهنگ و ارزش های لیبرالیستی، مخالف با حضور قدرت های بزرگ در منطقه و در نهایت به چالش کشیدن بازیگران منطقه ای با تاکید بر مخالفت بر استعمار و استبداد داخلی، زمینه رویارویی، مخالفت و صف بندی های جدید منطقه گرایی کشورهای عربی به رهبری قدرت های منطقه ای(عربستان) و فرا

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

منطقه ای(ایالات متحده آمریکا) را تشدید نمود. بدین ترتیب، جمهوری اسلامی ایران با هدف مقابله با حضور نیروهای نظامی خارجی به طور مستمر خواهان خروج نیروهای بیگانه از منطقه و عدم مداخله دولت های فرا منطقه‌ای در امور خلیج‌فارس بوده است. ایران همواره معتقد است که کشورهای منطقه با همکاری با هم، بهتر می‌توانند امنیت منطقه را تأمین کنند (رهبر و صحیح‌النسب، ۱۳۹۳: ۲۴۵). اما این استراتژی ایران مورد قبول کشورهای منطقه قرار نگرفته و آن را در چارچوب سیاست هژمونی منطقه ای ایران می دانند. بنابراین قدرت های منطقه ای از جمله عربستان سعی نموده اند با ایجاد ائتلاف منطقه ای کشورهای عربی به مقابله به سیاست های ایران بپردازند. عربستان به عنوان یکی از بازیگران رقیب و مخالف منطقه ای ایران به دنبال آن است که با محوریت عربی-اسلامی، خطوط متمایز امنیتی-سیاسی بر علیه ایران را در حوزه خاورمیانه به خصوص در کشورهای عربی خلیج فارس تعقیب و تثبیت نماید. نخبگان سیاسی در عربستان سعودی تلاش دارند با همکاری ایالات متحده و ائتلاف با امریکا ، اسرائیل و ترکیه علیه منافع و امنیت جمهوری اسلامی اقدام نمایند. به عبارتی، الگوی حاکم بر سیاست خارجی عربستان سعودی بر اساس درک و تصور نخبگان سیاسی این کشور از تهدیدات و ایجاد ائتلاف و یا اتحاد برای مقابله با این بحران‌ها می‌باشد (کریمی فرد، ۱۳۹۵: ۸۲). بنابراین عربستان با تاکید بر امنیت منطقه ای به عنوان تداوم امنیت ملی به دنبال: حل و فصل مشکلات و اختلافات مرزی، هماهنگی اقتصادی دولت‌های عربی منطقه در چارچوب قراردادهای دوجانبه و چندجانبه و در نهایت هماهنگی سیاست خارجی این کشورها در زمینه‌های نفت و امنیت می باشد. از دهه ۱۹۸۰م. به بعد، هر چند مقامات عربستان یک هویت اسلامی - عربی را دنبال می‌کنند ولی منافع خود را در راه همکاری با قدرت‌های بزرگ مصرف کننده نفت در اروپا و آمریکا می‌بینند و کمتر به همکاری و ایجاد رابطه با کشورهای منطقه نظر دارند و این تعارض آن را با بعضی بازیگران منطقه ای از جمله ایران تشدید می‌کند. نکته اتکای عربستان، دیپلماسی نفت و پیوند با غرب و ایالات متحده و نکته اتکای ایران بهره گیری از گروه های مبارز و قدرتمند مورد حمایت بوده است. در عرصه روابط بین‌المللی نیز کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس همواره از مشتریان ثابت قدرت‌های غربی در زمینه خرید تسلیحات نظامی هستند و حتی این خریدها جنبه رقابتی و انفرادی میان قدرت‌های عضو شورای همکاری خلیج فارس را پدید آورده است. هر عضوی از شورای همکاری خلیج فارس، شیوه مستقلی را برای کسب آموزش و ساختار نیروهایش اتخاذ کرده و ترتیبات یک جانبه‌ای را با قدرت‌ها و شرکت‌های غربی برای برآوردن نیازها و کسب تضمین‌های امنیتی به وجود آورده است. می‌توان گفت ترتیبات امنیتی در شورای همکاری خلیج فارس بیشتر متکی بر

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

قدرت‌های خارجی است تا همکاری درونی و منطقه‌ای» (مایل افشار و عزتی، ۱۳۸۹: ۵۸). همچنین این وابستگی بیشتر بر تقویت تجهیزات نظامی و افزایش خرید تسلیحاتی متکی می باشد و استراتژی تقویت نظامی دررحوزه خلیج فارس از یکسو کشورهای عربی منطقه را تبدیل به مشتریان دائمی خرید نظامی نموده و از سوی دیگر به وابستگی امنیتی بیشتر آنها به قدرت های خارجی شده است. بر اساس آمار موسسه تحقیقاتی صلح بین‌المللی استکهلم، عربستان سعودی، یکی از ۱۵ کشور برتر جهان در خریدهای تسلیحاتی در سال ۲۰۰۸ م. بوده است. این کشور در ردة نهم جهانی ایستاده و مبلغی بالغ بر ۳۸/۲ میلیارد دلار را برای پروژه‌های تسلیحاتی خرج کرده است. برای اینکه ترتیبات امنیت دسته جمعی و همگرایی در منطقه به صورت بومی شود باید تعبیر واحدی از امنیت و ناامنی در بین منطقه ارائه شود و امنیت و ناامنی کشورهای منطقه برای هم مهم باشد، همچنین بازیگران مشخص باشند و نقش مشخصی هم داشته باشند، عوامل همکاری در بین کشورهای منطقه بر عوامل تضاد آفرین برتری پیدا کنند، یک سری برنامه‌های امنیتی هماهنگ ایجاد شود و مدیریت و کنترل منطقه در بین اعضا به صورت بومی شود. (برزگر، ۱۳۸۶: ۶۵) تاکید بر رویکردی جدید از کنش امنیت جمعی میان بازیگران منطقه ای در خلیج فارس می تواند منجر به رشد و تقویت همکاری های متنوع در حوزه های اقتصادی،سیاسی و امنیتی گردد و بدر نتیجه منجر به کاهش چالش های امنیتی پیش روی بازیگران منطقه ای گردد.

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

نتیجه گیری

خلیج فارس از زمان کشف نفت و استخراج منابع فسیلی و شکل گیری واحد های سیاسی جدید بخصوص در قرن بیستم، فاقد الگوی امنیت درون‌زا بوده و ثبات و راهبرد امنیتی در آن تحت تأثیر دیدگاه‌های قدرت بزرگ قرار داشته است. به دلیل وجود قدرت های منطقه ای و نگرش اختلاف گرایانه آنها، رویکرد امنیتی کشورهای خلیج فارس مبتنی بر وابستگی سیاسی و نظامی به بلوک های قدرت و بازیگران فرا منطقه ای بوده است. این نگرش همیشه از سوی کشورهایی مثل ایران مورد نکوهش قرار گرفته و با تاکید بر امنیت درون زا سعی گردیده است که کشورهای منطقه به یک راهبرد امنیتی منطقه ای دست پیدا نمایند. بنابراین نقش قدرت های بازیگر منطقه ای و همسو با تداوم و حضور قدرته های فرامنطقه ای در منطقه خلیج فارس یکی از عوامل مهم و اساسی در این رویه امنیتی بوده است. بطوریکه قدرت های فرامنطقه ای با تدوین نیازهای امنیتی بازیگران منطقه ای ، سعی می نمایند که با تغییر و تعریف شرایط و موقعیت های جدید امنیتی ، بر حضور و ماندگاری خود در این منطقه استراتژیک مداومت نمایند. بنابراین امنیت درون زا در ابتدا به تعریف جدیدی از امنیت خود اتکای مبتنی بر ائتلاف قدرت های بزرگ و کوچک منطقه ای بر می گردد تا در نهایت با سازکار های جدید بر کاهش نقش عوامل خارجی مبادرت نمایند. البته این استراتژی ریشه در کاهش تنش ها و ایجاد اعتماد دوسویه و رویه های مذاکره و دیپلماسی در یک فرایند میان مدت و طولانی مدت دارد.

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

منابع

۱.افتخاری، اصغر (۱۳۷۲). مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی، ترجمه پژوهش‌های اجتماعی، تهران؛ نشر بینش.

۲.اسدی، بیژن (۱۳۸۱). خلیج فارس و مسائل آن، تهران؛ انتشارات سمت.

۳.ازغندی،علیرضا،آقاخانی، مهدی(۱۳۹۲).بررسی عوامل منطقه ای واگرایی در روابط ایران و جهان(۱۳۹۰-۱۳۸۴) فصلنامه سیاست، مجلهٔ دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۳، شماره ۲، صفحات ۲۴۳-۲۲۵.

۴.برزگر، کیهان (۱۳۸۶). ایران، عراق جدید و نظام امنیت منطقه ای خلیج فارس،فصلنامه راهبرد، شماره ۴۳. صص۵۹ -۷۵.

۵.بوزان، باری (۱۳۸۷). مردم، دولت‌ها و هراس، تهران؛ ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۶.رسولی ثانی آبادی،الهام(۱۳۹۳). ماهیت اتحادها در خاورمیانه ؛ قدرت یا هویت؟ فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۱۷،شماره۶۵.صص ۱۷۱-۱۹۶ .

۷.رهبر و صحیح النسب، عباسعلی و جواد (۱۳۹۳). بررسی چالش های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و انگلستان در خلیج فارس، فصلنامه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دوره ۷، شماره ۲۶.

۸.سریع القلم ،محمود(۱۳۷۹).سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران :بازنگری و پارادیم ائتلاف ،تهران:مرکز تحقیقات استراتژیک.

۹.سیمبر،رضا(۱۳۸۵). منطقه گرایی و صلح سازی در جهان با تاکید بر خلیج فارس، فصلنامه چشم انداز جغرافیایی، شماره ۱، بهار.

۱۰.ظهرا البوشی، عبدالله (۱۳۷۸).مجموعه مقالات دهمین همایش بین المللی خلیج فارس، تهران، ترجمه جمشید زنگنه، مرکز مطالعات خلیج فارس، دفتر مطالعت سیاسی و بین المللی.

۱۱.عبدالله خانی، علی (۱۳۸۹). نظریه‌های امنیت، تهران؛ موسسه مطالعاتی و تحقیقاتی بین الملل ابرار معاصر.

۱۲.عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳). کتاب آمریکا (۲) ویژه سیاست‌های امنیتی ایالات متحده در عراق، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار، تهران، انتشارات ابرار، چاپ اول.

۱۳.کریمی فرد، حسین (۱۳۹۵).تبیین رئالیستی سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال بحران‌های خاورمیانه (۲۰۱۵-۱۹۷۹)، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین الملل، دوره نخست، شماره بیست و یکم، صص ۱۰۹-۷۹.

۱۴.مایل افشار،فرحناز،عزت الله،عزتی(۱۳۸۹).تحلیلی بر نقش قدرتهای مداخله گر در خلیج فارس و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران،فصلنامه جغرافیایی سرزمین،سال هفتم، شماره ۲.صص۷۶-۵۳.

۱۵.مجتهد زاده، پیروز (۱۳۷۹). ایده‌های ژئوپلوتیک و واقعیت‌های ایران، مطالعه روابط جغرافیا و سیاست در جهان دگرگون شونده، تهران، نشر نی، چاپ اول.

۱۶.ملک‌محمدی ، حمیدرضا ، مدنی، سید مهدی (۱۳۹۱). فرهنگ حاکم بر تعاملات ایران و عربستان از منظر تحلیل سازه انگارانه ، فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی ، دوره ۴۳ شماره ۴، ص ص ۷۸-۶۱

۱۷.مورگان،پاتریک، لیک،دیوید(۱۳۸۱). نظم‌های منطقه‌ای امنیت سازی در جهان نوین، ترجمه سید جلال دهقانی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

۱۸.معین الدینی، جواد (۱۳۸۶). دگرگونی ژئو پلیتیک خاورمیانه و امنیت خلیج فارس، فصلنامه سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۲۶-۲۲۵.

موسوی، سید حسین(۱۳۸۶). الگوی امنیت منطقه ای در خلیج فارس، تجربه ها و موانع، فصلنامه راهبردی، سال دهم، شماره ۴، صص۸۳۱-۸۶۶..

نصوحیان، محمد مهدی(۱۳۸۶).موانع همگرایی و ثبات در منطقه خلیج فارس،فصلنامه ره آورد سیاسی،شماره ۱۷. ص ۱۶۲-۱۴۳

هرسیج،حسین،ابراهیمی پور،نوعی باغبان،مرتضی(۱۳۹۳).روابط کشورهای عرب منطقه ی خلیج فارس و ایران از منظر منطقه گرایی، فصلنامه سیاست دفاعی،سال بیست و دوم،شماره ۸۸، صص۹-۳۸.

واعظی، محمود (۱۳۸۵). ترتیبات امنیتی خلیج فارس، فصلنامه راهبرد، شماره۴۰،صص۳۶-۲۳.

۳- منابع انگلیسی:

1.Buzan, Barry (1991) People, States, and Fear: The Agenda for International Security Studies in the Post-Cold War Era., ST edion Hertfordshire: Harvester Wheatsheaf, 1991 and 2008.

2.Buzan, B. and Weaver, O. (2003), Regions and Powers: The Structure of International Security, Cambridge: Cambridge University Press.

3.CrossRef Wendt (1995), 'Building International Politics', International Security, Vol. 20, no 1 (Summer 1995).

4.De Witte, B. (2015), "Network Games, Information Spread and Endogenous Security, Master Thesis Applied Mathematics Faculty of Electrical Engineering", Mathematics and Computer Science (EEMCS), University of Twente, Available at: https://www.utwente.nl/en/eemcs/sacs/teaching/Thesis/witte.pdf [accessed 2 September 2020].

5.Miller, R. (2019), "Managing Regional Conflict: The Gulf Cooperation Council and the Embargo of Qatar", Global Policy, 10(2): 36-45, DOI: 10.1111/1758-5899.12674.

https://www.entekhab.ir/fa/news/690635.

https://www.entekhab.ir/fa/news/600988.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۳۰۱۰۶

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

موسوی، سید محمد؛ زارعی، غفار؛ روان‌بد، امین (۱۴۰۲)، «راهبرد کنش امنیتی بازیگران خلیج فارس بر اهداف قدرت های فرا منطقه‌ای» فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۳، ش۳، پاییز ۱۴۰۲، صص ۱۴۹-۱۳۱.

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]